

## درگیری با مکه

مقایسه اوضاع و اموال مهاجرین و انصار ( مردم مکه و مدینه ) بعد از پیمان عقبه :

مردم مدینه زراعت پیشه بودند در حالیکه مردم مکه از این حرفه بهره‌ای نداشتند و کارشان بازرگانی و تجارت بود.

اگر مهاجران می‌خواستند پیشه پیشین خود را دنبال کنند باید :

➤ یثرب جای مکه را بگیرد.

➤ راه تاجران مکه را ببندند.

هنگامی که پیغمبر در مکه بود و تعداد مسلمانان کم بود، قریشیان خطر سقوط اقتصادی خود را پیش چشم می‌دیدند و حال که شهر آماده و با استعداد کافی پذیرای اسلام شده است یثرب چگونه در امان خواهد بود و این یکی از دلایل پیشدستی یثربیان بود.

## درگیری‌ها از نخستین سال هجرت

لشکرکشی‌هایی که پیغمبر در آن حضور داشت غزوه نامیده می‌شود.

اگر بدون حضور پیغمبر تنها مجاهدان در آن لشکرکشی بودند سریه نام داشت.

نام غزوه	تاریخ	نتیجه
ابوا ( ودان )	ماه صفر سال دوم هجرت	بدون درگیری
بواط	ربیع‌الاول سال دوم هجرت	بدون درگیری

در جمادی الاولی خبر رسید که کاروان قریش به سرکردگی ابوسفیان از مکه عازم شام است. پیغمبر سر وقت آنان تا ذات‌العشیره رفت. ولی کاروان از پیش رفته بود.

دلیل بی‌نتیجه ماندن غزوه‌ها:

رساندن تصمیم پیامبر به کاروان از طریق جاسوسان

یا

کاروان مسیر خود را عوض می‌کرد

کاروان در رفتن شتاب می‌کرد

### جنگ بدر

به پیغمبر خبر دادند ابوسفیان با کاروان بزرگی که دارای مال التجاره زیادی بودند ( اموال مسلمانان مهاجری که از مکه به شام آمده بودند ) از شام به مکه برمی گردد.

پیغمبر سصد و سیزده تن سپاهی فراهم کرد که یک چهارم آن مهاجران و سه چهارم انصار بودند.

**ابوسفیان از تصمیم پیامبر مطلع و چنین عمل کرد :**

۱- درخواست کمک از مکه

۲- تغییر مسیر

پس از فرار ابوسفیان، ابوجهل سپاهی متشکل از نهصد تن تشکیل داد و به جنگ مسلمانان رفت. در کنار چاهی به نام بدر ( که مسلمانان آن را تسخیر کرده بودند ) جنگی در گرفت و با آن که مردم مکه سه برابر مردم یثرب بودند شکست خوردند. ابوجهل و عده‌ای دیگر از بزرگان قریش کشته شدند.

از مسلمانان تنها چهارده تن شهید شدند.

این جنگ نخستین پیروزی مسلمانان بود و در هفدهم رمضان سال دوم هجرت اتفاق افتاد.

**علت اصلی پیروزی در این جنگ نیروی ایمان بود.**

**نتایج جنگ بدر :**

۱- در روحیه مسلمانان تأثیر فراوانی گذاشت

۲- تأثیر این پیروزی بر قبیله‌های اطراف یثرب

۳- قریشیان دانستند که کار پیغمبر ( ص ) بدان سادگی که می‌اندیشیدند نیست.

### جنگ احد

شکست جنگ بدر برای ابوسفیان گران تمام شد زیرا ارزش ریاست او در دیده مردم مکه کم شده بود.

ابوسفیان قبیله‌ها را متحد کرد و لشکری متشکل از سه هزار مرد و دویست اسب و هزار شتر فراهم آورد.

پیامبر روز جمعه، شورای جنگی تشکیل داد و آنها دو دسته شدند :

● گروهی سالمندان کار آزموده ( عبدالله بن ابی جزء این دسته بود )

● جوانان

**نظر دسته اول :**

**حالت دفاعی بگیریم و جنگ را به طرف حومه شهر بکشیم**

**نظر دسته دوم :**

**بیرون شهر روند و به دشمنان حمله ببرند.**

پیغمبر سپاهیان خود را به ذوالحلیفه رساندند و از آن جا بسوی شمال یثرب رفت و در کنار کوهی بنام احد توقف کردند.

سپاه پیغمبر هزار تن بود که سصد تن آن ( سالمندان ) توسط عبدالله بن ابی باز گشتند.

## جنگ احد

شکست جنگ بدر برای ابوسفیان گران تمام شد زیرا ارزش ریاست او در دیده مردم مکه کم شده بود. ابوسفیان قبیله‌ها را متحد کرد و لشکری متشکل از سه هزار مرد و دویست اسب و هزار شتر فراهم آورد. پیامبر روز جمعه، شورای جنگی تشکیل داد و آنها دو دسته شدند :

- گروهی سالمندان کار آزموده ( عبدالله بن ابی جزء این دسته بود )
- جوانان

### نظر دسته اول :

حالت دفاعی بگیریم و جنگ را به طرف حومه شهر بکشیم

### نظر دسته دوم :

بیرون شهر روند و به دشمنان حمله ببرند.

پیغمبر سپاهیان خود را به ذوالحلیفه رساندند و از آن جا بسوی شمال یثرب رفت و در کنار کوهی بنام احد توقف کردند. سپاه پیغمبر هزار تن بود که سید تن آن ( سالمندان ) توسط عبدالله بن ابی باز گشتند.

## ادامه ماجرای جنگ احد

با جدا شدن عبدالله بن ابی از پیغمبر، تعداد سپاهیان هفتصد تن بدون اسب و شتر بود. نگهبانی پای کوه به گروهی از تیراندازان به سرپرستی **عبدالله بن جبر** سپرده شد.

پیغمبر به آنان فرمود: مواظب باش دشمن از پشت سر به ما حمله نکند. جنگ به سحر ها یا به زبان ما باشد. تو نباید از پای خود بپویی.

در حمله نخست پیروزی با مسلمانان بود اما تیراندازان نگهبان پای کوه به طمع غنیمت پست خود را ترک کرده و سوار نظام دشمن به سرکردگی **خالد بن ولید** از پشت سر حمله کردند و منجر به شکست مسلمانان شد. همچنین پیغمبر در این جنگ زخمی گردید. حمزه عموی پیغمبر در این جنگ کشته شد.

### دلیل پنجم پوشی ابوسفیان از مدینه :

سبب آن را جز امداد غیبی نمی‌توان دانست. خدا ترسی در دل او افکند تا از محاصره مدینه و گرفتنش چشم پپوشد.



## دستور پیامبر، یک روز پس از جنگ

جنگ احد در سال سوم هجرت روی داد.  
دستور پیامبر این بود که مردم دشمن را تعقیب کنند. در این تعقیب، زخمیان و بیماران نیز شرکت کردند.

**نتیجه ای را که مکه از این جنگ می خواست بدست نیاورد زیرا :**

- ۱- تلفات مسلمانان نسبت به مشرکان، با در نظر گرفتن شمار کشتگان آنان در بدر، تقریباً مساوی بود و از نظر سنت قبیله ای، مکه بر مدینه برتری نداشت.
- ۲- مشرکان نتوانستند زبانی به شهر یثرب وارد کنند.

ابوسفیان پنداشت که شکست نخستین حیلۀ جنگی است که میان عرب معمول بود.

**نتایج معنوی جنگ احد برای مسلمانان :**

- نزول آیاتی از سورة آل عمران در این باره. « شما در جنگ بدر خوار بودید ولی خدا شما را یاری کرد. اما شما صبر کنید و پرهیزکاری پیش گیرید، خدا شما را مدد خواهد کرد. »
- « اگر به شما ضرری رسیده، دشمن شما نیز ضرر کرده مگر نه این است که شما آرزوی کشته شدن داشتید. اکنون به آرزوی خود رسیدید. »

## توطئه گران حادثه رجیع و بئر معونه

گروهی از منافقان که در مدینه بودند، پس از شکست احد، شروع به فتنه انگیزی کردند.  
قبیله هایی که پس از پیروزی جنگ بدر با مسلمانان هم پیمان شده بودند، دو دل ماندند و باعث شدند که دشمنان اسلام که پیرامون یثرب بودند به فکر استفاده از این شکست بیافتند.

**حادثه رجیع :**

گروهی در طایفه عضل و قاره از پیغمبر خواستند عده ای را برای آموزش احکام نزد آنها بفرستد. پیغمبر شش تن را فرستاد. آنها در رجیع به مسلمانان حمله کردند چهار تن را کشتند و دو تن را اسیر کردند و در مکه به کین کشتگان بدر بقتل رساندند.

**بئر معونه :**

گروهی از بنی عامر، عده ای از مسلمانان را جهت تبلیغ دین برای مردم نجد خواستند. ابوبراء، رئیس این دسته، ضمانت جانی این افراد را بر عهده گرفت.  
پیغمبر چهل تن را با آنان فرستاد پیکی با نامه به نزد عامر بن طفیل فرستاد. عامر آن را خواند و پیک آن را کشت.  
عامر برای حمله به اصحاب پیامبر از بنی عامر کمک خواست ولی آنان نپذیرفتند سپس از بنی سلیم برای حمله کمک خواست، آنان نپذیرفتند، همه را کشتند و تنها کعب بن زید باقی ماند.  
حادثه بئر معونه، پیغمبر (ص) را سخت متأثر کرد.

## کوچاندن یهودیان بنی نظیر

در پی کشته شدن دو تن از بنی عامر به دست عمرو بن امیه ( حادثه بثر معونه ) ، بنی عامر طبق پیمان قبلی از پیغمبر خون بهای این دو تن را طلبید.

چون یهودیان بنی نظیر با بنی عامر هم پیمان بودند، محمد ( ص ) خواست تا از آنان برای پرداخت این خون بها کمک بگیرد.

هنگامی که پیغمبر نزد آنان رفت و خواست خویش را با ایشان در میان گذاشت، در ابتدا پذیرفتند ولی بعد از مشورت با یکدیگر قصد جان پیغمبر را کردند پیغمبر از نیت آنان آگاه شد و به مدینه بازگشت و تصمیم به اخراج این قبیله گرفت.

محاصره یهود بنی نظیر شش شب طول کشید و سرانجام تسلیم شدند. دو تن مسلمان شدند و پیغمبر بقیه را به اذرعات در شام تبعید کرد.

به گفته ابن هشام حکم حرمت شراب در همین ایام نازل شد.

## جنگ با غطفان

در جمادی الاول سال چهارم هجرت پیغمبر ( ص ) ابودر غفاری را در مدینه گمارد و خود به سر وقت طایفه بنی مہارب در بنی ثعلبه رفت. این دو تیره از طایفه غطفان بودند و در نجد به سر می بردند.

مسلمانان با دشمن روبرو شدند ولی جنگی بین آنها در نگرفت.

ماه شعبان ← ابوسفیان برای جنگ به بدر آمد ولی در راه پشیمان شد و برگشت.

سال پنجم هجرت ← غزوه های دومه الجندل و بنی المصطلق رخ داد ولی درگیری نداشت. این غزوه آرایش نیروهای نظامی بزرگی بود که پس از ناکامی مسلمانان در جنگ احد پدید آمد.

قبیله ها کم و بیش متوجه شدند که دیگر از قریش نباید بیمی به دل راه بدهند، و اگر به مسلمانی نمی گروند باری به سود آنان خواهد بود که در انتظار به سر برند.



## جنگ خندق

سال چهارم هجرت ← ابوسفیان گروهی را به بدر آورد ولی در راه پشیمان شد این بازگشت موقعیت فرماندهی او را در نظر بزرگان قریش ضعیف کرد.

سال پنجم هجرت ← ابوسفیان سپاهی بین هفت تا ده هزار تن فراهم کرد که ششصد تن آنان سواره بودند.

**چون سپاه از قبیله‌های مختلف عرب تشکیل شده بود این جنگ را امزاب نامیده‌اند.**

در این جنگ گروهی از یهودیان بنی‌نضیر با قریش و غطفان علیه پیغمبر متحد شدند. یهودیان بنی‌قریظه نیز پیمان‌شکنی کردند و با مردم مکه همدست شدند.

مردم مدینه برخلاف احد، حالت دفاعی به خود گرفتند و به صلاح‌دید سلمان فارسی برای حفاظت شهر خندقی کردند.

سواران نمی‌توانستند از خندق بپرند و وقتی پیش می‌آمدند تیراندازان به آن‌ها مجال نمی‌دادند.

عمرو بن عبدود و عکرمه بن ابی جهل تصمیم به عبور از خندق گرفتند.

پیامبر نخست خواست قبیله غطفان را از جمع لشکریان جدا کند و بدان‌ها پیشنهاد یک سوم محصول مدینه را داد. مردم مدینه نپذیرفتند و مصالحه انجام نشد.

دو تن از مسلمانان به صورت پنهانی، بنی‌قریظه و غطفان را نسبت به هم بدبین کرد و کار بر سپاه مکه دشوار شد.

## نتایج جنگ احزاب

➤ برای مسلمانان امیدبخش بود.

➤ بازرگانان قریش برای همیشه بازار مدینه را از دست دادند.

➤ موقعیت فرماندهی ابوسفیان در نزد قریش متزلزل شد.

➤ حشمت قریش در نزد دیگر قبیله‌ها در هم شکست.

➤ بوجود آمدن این حوادث که سپاه بزرگ قریش از مدینه بازگشت بعضی عرب‌های بدوی را به اسلام متمایل ساخت.

## عملکرد پیامبر پس از جنگ احزاب

پس از پایان نبرد احزاب، پیغمبر به سراغ بنی قریظه رفت.  
بنی قریظه مادامی که علیه مسلمانان قیام نمی کردند در امان بودند اما در جنگ احزاب با دشمنان اسلام هم پیمان شده بودند.

پیغمبر آن ها را محاصره کرد و پس از بیست و پنج شب تسلیم شدند.

قبیله اوس که با بنی قریظه پیمان داشتند به پیغمبر گفتند : بنی قریظه با ما هم پیمانند و از کارشان پشیمان. با آنان همانند هم پیمانان خزرج (بنی قینقاع) رفتار کن.  
پیغمبر داوری اسیران را به سعد بن معاذ، رئیس قبیله اوس واگذار کرد و دیگران با داوری وی موافقت کردند.  
سعد گفت : رأی من این است که باید مردان آنان کشته شوند و زنان و فرزندان آنان اسیر گردند.

## فتح آشکار یا صلح حدیبیه

افزایش قدرت اسلام در دیده ساکنان شبه  
جزیره و مسلمان شدن بعضی از قبیله ها

نبرد احزاب

تسلیم یهودیان بنی قریظه

پندر پنج سال ششم هجری

در ذوالقعدة سال ششم هجری پیغمبر با هزار و پانصد تن از مردم مدینه برای ادای عمره روانه مکه شد. قریش از قصد پیغمبر مطلع شد و برای ممانعت خالد بن ولید و عكرمه بن ابی جهل را روانه کردند. پیغمبر (ص) در جایی بنام حدیبیه که آغاز سرزمین های حرم است فرود آمد و به مردم مکه پیغام داد که ما برای زیارت آمده ایم نه برای جنگ. قریش نپذیرفتند و مصالحه نامه ای بین پیغمبر (ص) نماینده مردم مکه امضا شد.

## مصالحه نامه صلح حدیبیه

➤ برای ده سال بین دو طرف جنگی نخواهد بود.

➤ در این سال مسلمانان نباید به مکه داخل شوند، اما در سال آینده همین موقع مردم شهر سه روز از مکه بیرون می‌روند و شهر را برای مسلمانان خواهند گذاشت تا زیارت کنند.

➤ هر کس از مردم مکه نزد محمد ( ص ) آید باید به مکه برگردانده شود، اما اگر کسی از مدینه به مکه رفت قریش الزامی ندارد او را باز گرداند.

❖ به موجب ماده آخر پیمان نامه، اگر مسلمانان یا قریش با هم پیمانان خود به جنگ برخاستند ، این پیمان نامه لغو خواهد بود.

## مسئله پس دادن پناهندگان

اندکی پس از امضای پیمان نامه، یکی از مردم مکه که مسلمان شده بود، به مردم مکه تسلیم شد ولی وی در بین راه گریخت و با عده‌ای دیگر از مسلمانان مکه بر سر کاروان قریش به شام نشست و برای آن‌ها خطری جدید پدید آورد و مردم مکه ناچار به پیغمبر متوسل شدند و خواستند که آن‌ها را به مدینه فرا خواند و مسئله پس دادن پناهندگان منتفی شد.

بعداً خواهیم دید که نقض یکی از مواد **پیمان نامه** توسط **قریش**، موجب گشودن شهر مکه شد.



## جنگ خیبر - زیارت خانه خدا - جنگ موته

### جنگ خیبر :

موقعیت یهودیان خیبر از نظر مسلمانان مشکوک بود زیرا آنان پس از پایان کار بنی قریظه به توطئه و کارشکنی پرداخته بودند. پیغمبر در سال هفتم هجرت آنان را محاصره کرد و پس از چند روزی سرانجام قلعه‌های آنان یکی پس از دیگری تسلیم شد. پیغمبر بجای اینکه آنان را تبعید کند با آنها پیمانی بست که بر سر زراعت خود باشند و در سال نصف محصول را به مدینه بفرستند.

### زیارت خانه خدا :

در **ذی قعدة** سال **هفتم هجری** بموجب پیمان حدیبیه، پیامبر وارد مکه شد. آنان که دوراندیشی بیشتری داشتند، دانستند دوره زندگی سران قبیله و بازرگانان به سر آمده. بدین جهت دو تن از بزرگان آن‌ها به نام **خالد بن ولید** و **عمر بن عاص**، خود را به مدینه رساندند و مسلمان شدند.

### جنگ موته :

در سال **هشتم هجرت**، رسول خدا (ص) **کعب بن عمیر غفاری** را به **ذات اطلاق** فرستاد. فرستادگان با گروهی برخوردند و آنان را به اسلام دعوت کردند تمام فرستادگان تیرباران و کشته شدند مگر یک تن.

## اهمیت ذات اطلاق

ذات اطلاق در حدود مرزی شام است. این سرّیه از آن جهت اهمیت دارد که مسلمانان به سرزمین‌های بیرون جزیره می‌روند.

در جمادی الاول سال هشتم هجرت، پیغمبر (ص) لشکری را که فرماندهی آن را ابتدا **زید بن حارثه**، سپس

**جعفر بن ابی طالب** و سپس **عبدالله رواحه**، بعهدده داشت روانه موته کرد.

هر سه تن شهید شدند و لشکر **خالد بن ولید** را برگزیدند و او به هر صورتی بود آنان را به مدینه رساند.

## فتح مکه

بموجب پیمان **حدیبیه**، هر قبیله می‌تواند با هر یک از دو گروه مسلمانان یا قریش پیمان ببندد. **خزاعه** به پیمان محمد (ص) و بنوبکر به پیمان قریش درآمد.

در سال هشتم، بین بکر و خزاعه درگیری شکل گرفت و قریش بنوبکر را عیله خزاعه یاری کرد.

بدین ترتیب پیمان حدیبیه به هم خورد. ابوسفیان هر چه کرد که پیمان را تجدید کند، نتیجه نگرفت.

پیغمبر (ص) رمضان سال **هشتم** با ده هزار نفر روانه مکه شد طوری که هیچکس مطلع نگردد لشکر به مرآظهران که رسید،

عباس، عموی پیغمبر (ص) شب هنگام خواست کسی از مردم مکه را ببیند و بوسیله او پیغام دهد که قریش قبل از آنکه

هلاک شود خو را به پیغمبر برساند. در آن شب ابوسفیان مسلمان شد.

روز بعد پیغمبر فرمود: هر کس به خانه رود و در را به روی خود ببندد در امان است هر کس به خانه ابوسفیان پناهنده شود

در امان است هر کس به مسجدالحرام برود در امان است.

سعد بن عباد چون به مکه وارد شد گفت: امروز روز کشتار است و روز در هم شکسته شدن حرمت است. پیغمبر حضرت

**علی (ع)** را فرستاد و بدو گفت: پرچم را از سعد بگیر که امروز روز رحمت است.

پیغمبر به مسجد درآمد و همچنان که سوار بود هفت بار طواف کرد و بر در کعبه ایستاد و گفت:

**لا اله الا الله لا شریک له صدق وعده و نصر عبده و هزم الاحزاب وحده.**

پیغمبر دو هفته در مکه ماندند و کارهای آنها را سر و سامان داد.

**اقدامات پیامبر (ص) در مکه:**

✓ افرادی را به اطراف مکه فرستاد تا بتخانه‌ها را ویران کنند و بت‌هایی را هم که در خانه کعبه نهاده بودند در هم شکست.

رفتار پیغمبر (ص) با مردم مکه، بزرگواری اسلام و پیغمبر این دین را در دیده مخالفان آشکار ساخت.

## نبرد حنین - جنگ تبوک

پس از تسلیم شدن مکه، قبیله هوازن یا بنی ثقیف که در طائف به سر می بردند، با یکدیگر متحد شدند که بر سپاه پیغمبر حمله برند.

گروه دشمن در مقابل سپاه اسلام اندک بود ...

در آغاز جنگ عده‌ای از مسلمانان فرا کردند ولی پیغمبر و عده‌ای از مهاجران و انصار پایداری ورزیدند و فراریان دوباره بازگشتند. سرانجام هوازن گریخت و زن و بچه آنان در پشت جبهه بودند و اسیر شدند و پیغمبر دستور آزادی همه آنان را صادر فرمود.

## جنگ تبوک

غزوة تبوک ← سال نهم هجرت :

به پیغمبر خبر دادند که رومیان سپاهی انبوه در بلقاء فراهم آورده‌اند ولی می‌خواهند به مسلمانان حمله برند. تابستان گرمی بود و در فصل رسیدن میوه‌ها بود و عده‌ای پیغمبر را سرزنش می‌کردند.

تعداد سپاهیان پیامبر ← سی هزار تن.

پیغمبر علی (ع) را در مدینه نهاد تا به کار خانه او رسیدگی کند.

منافقان گفتند او دوست نداشت که در این سفر علی (ع) همراه او باشد. علی (ع) در این باره به پیغمبر شکایت کرد. پیغمبر فرمود :

من تو را قلیفه خود کردم که تو برای من مانند هارون برای موسی هستی پس از من پیامبری نیست.

معلوم شد خبر آمادگی رومیان درست نبوده است جنگ تبوک آخرین درگیری مسلمانان با نامسلمانان در زندگی پیغمبر بود. سپس تمام عربستان تسلیم شد.

تقریباً می‌توان گفت عموم قبیله‌ها مسلمان شدند. بدین علت این سال را سنه الوفود نامیده‌اند.



## واپسین حج پیغمبر (حجه الوداع)

پیغمبر (ص) در ذی قعدة سال دهم هجری عازم حج شد و احکام حج را به مردم تعلیم داد امتیازاتی را که قریش پیش از این در دوره جاهلیت برای خود درست کرده بود، (بجز کلیدداری و پرده‌داری خانه خدا و مهمان کردن و آب دادن حاجیان) از میان برد.

از جمله این امتیازات عبارتند از :

➤ در دوره جاهلیت مردم می‌پنداشتند طواف خانه باید در جامه پاک باشد و جامه هنگامی پاک است که از قریش گرفته شود. اگر قریش جامه طواف را به کسی نمی‌داد او باید برهنه طواف کند.

➤ قریش مانند حاجیان از عرفات بار نمی‌بستند، بلکه از مزدلفه کوچ می‌کردند و این امتیاز را برای خود فخر می‌شمردند.

قرآن این امتیازات را با این آیه از بین برد :

« از جایی کوچ کنید که مردم کوچ می‌کنند. » (بقره آیه: ۱۹۹)

محمد (ص) نیز که خود از قریش بود، با دیگر مردمان از عرفات کوچ کرد.

## ماجرای غدیر خم

در بازگشت به مدینه در منزل جھفه آن جا که راه مردم مصر، حجاز و عراق از یکدیگر جدا می‌شود، در موضعی که بنام « غدیر خم » معروف شده است، امر خدا بدو رسید که باید علی (ع) را به جانشینی خود نصب کنی. رسول خدا در جمع مسلمانان که شما را آنها را میان خود یا یکصد هزار تن نوشته اند فرمود :

« من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و احب من احبه و ابغض من ابغضه و انصر من نصره و اخذل من خذله و ادر الحق معه حيث دار »

« من هر کسی ولایت دارم، علی مولای اوست. خدایا پیوند داشته باش با کسی که با او پیوند دارد و دشمن بدار کسی را که او را دشمن دارد و دوست بدار کسی را که او را دوست بدارد. و دشمن بدار کسی را که با او دشمنی کند و خوار کن کسی را که او را خوار کند و حق را با او بگردان هر جا که او بگردد. آن کس که حاضر است این سخنان را بدان کس که غایب است برساند. »

پس از بازگشت از حج، تندرستی پیغمبر به خطر افتاد، اما با وجود بیماری، سپاهی به تلافی شکست موته به فرماندهی اسامه بن زید، آماده کرد. ولی پیش از اینکه این سپاه به مأموریت برود پیغمبر (ص) به دیدار پروردگار خود رفت.

کتابه حقوق این اثر متعلق به مؤسسه آموزش عالی غیر انتفاعی نور طوبی می‌باشد

## مرگ پیغمبر (ص)

مرگ پیامبر (ص) در ابتدا باور کردنی نبود. و بعضی از نو مسلمانان و تنی چند از مسلمانان با سابقه می پنداشتند که او نمی میرد و جاودان است.

نوشته اند **عمر** همین که خبر مرگ پیغمبر را شنید گفت : سخنی دروغ است. او نمرده و نزد خدا رفته است و بزودی باز خواهد گشت. هر کس بگوید پیغمبر مرده است او را خواهم کشت. ابوبکر خود را به او رسانید و آیه قرآن را :

إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ

« قطعاً تو فواهی مرد و آنان نیز فواهند مرد. » (زمر آیه ۳۰)

بزودی مسلمانان متوجه شدند که با حقیقت تلخی روبرو شده اند. پیغمبر نزد خدا رفته است و دیگر در میان آنان نیست.